

طبقات صدریّه و جلالیّه، تعداد، ترتیب و انگیزه نگارش

۱۴۹-۱۶۴

چکیده: شرح تجرید قوشچی از کتاب‌هایی است که مورد اهتمام علما قرار گرفته، شروع و حواشی متعددی بر آن نگاشته شده است. مرحوم صدر الدین محمد دشتکی و علامه دوانی چند حاشیه بر این کتاب به رشته تحریر درآورده‌اند که تحت عنوان «طبقات صدریّه و جلالیّه» معروف‌اند. این حواشی ناظر به یکدیگر بوده و می‌توان آن‌ها را مناظره علمی مکتوب میان این دو عالم مکتب شیراز قلمداد کرد. در تعداد و سیر تألیف این حواشی، میان اندیشمندان اختلاف نظر وجود دارد. برخی، تعداد حواشی صدر الدین دشتکی را دو و برخی دیگر سه حاشیه دانسته‌اند. در این نوشتار، علاوه بر معرفی اجمالی مکتب شیراز و سبک نگارش متون علمی در این دوره، با استناد به عباراتی که در این حواشی آمده است اثبات می‌شود که مرحوم دشتکی دارای دو حاشیه و مرحوم دوانی دارای سه حاشیه است که مرحوم دوانی شروع کننده اولین حلقه از این سلسله حواشی است. همچنین غرض اصلی تألیف هر یک از حواشی مورد بررسی قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: قوشچی، دشتکی، دوانی، حاشیه قدیم، حاشیه جدید، حاشیه آجد.

Ṭabaqāt Ṣadriyyah and Jalāliyyah, Their Number, Order, and the Motive of Their Writing
Ali Rahimi, Mohammad Bagher Abbasi

Abstract: Ghushchī's commentary of Tajrīd is one of the books that has been the focus of scholars and many comments and footnotes have been written on it. The late Sadr al-Din Mohammad Dashtakī and 'Allāmah Dawanī have written several annotations on this book, which are known under the title of «Ṭabaqāt Ṣadriyyah and Jalāliyyah». These annotations are related to each other and can be considered as a written scientific debate between these two scholars of the Shiraz school. There is a difference of opinion among scholars regarding the number and process of authoring these annotations. Some have considered the number of works of Sadr al-Din Dashtakī as two and others as three. In this article, in addition to the brief introduction of the Shiraz school and the style of writing scientific texts in this period, it is proved by referring to the phrases that appear in these annotations that the late Dashtakī has two works and the late Dawanī has three copies and that the late Dawanī started writing the first volume of this series of annotations. Also, the main purpose of authoring each annotation has been examined.

Keywords: Ghushchī's, Dashtakī, Dawanī, old annotation, new annotation, Ajad annotation.

۱. مقدمه

تاریخ فلسفه اسلامی همچون علوم دیگر برای رسیدن به رشد و بالندگی مسیری طولانی طی کرده است. در این میان مکتب فلسفی شیراز نقش بسزایی در این رشد و بالندگی ایفا کرده است.

مکتب فلسفی شیراز حد فاصل زمانی قرن هفتم تا دهم را در بر می‌گیرد. در این دوره نسبتاً طولانی، فلسفه اسلامی در شیراز و فارسی قدیم متمرکز شده بود. فیلسوفان نام‌آوری در این دوره ظهور کردند که می‌توان از بزرگانی چون دشتکی‌ها (سید صدرالدین و فرزندش غیاث‌الدین منصور)، محقق خفّری، مقدس اردبیلی، طاهر دکنی و جلال‌الدین دوانی نام برد. (ولایتی، ۱۳۹۳، ص ۱۵-۱۶)

متأسفانه این برهه از تاریخ فکر فلسفی کمتر مورد توجه قرار گرفته است و شاید دلیل آن، سبک تألیفات مرسوم در آن برهه بوده است که نگارش شرح، شرح شرح، تعلیقه، تعلیقه بر تعلیقه و حواشی بر آثار متقدمان مرسوم بوده است. (نصر و لیورمن، ج ۳، ص ۹۹-۱۰۰)

در سراسر قرن‌های هشتم، نهم و دهم شیراز، دارالعلم ایران و پاسدار فرهنگ، ادب و حکمت اسلامی است. وفور حوزه‌های درس و حضور حکما، عرفا، منطق دانان و متکلمان بسیار در شیراز و توابع آن، شیراز را به مرکز علوم عقلی این دوران تبدیل کرد. بسیاری از اهل علم برای یادگیری دانش راهی شیراز می‌شدند یا عالمی از شیراز دعوت می‌کردند تا از محضر او بهره ببرند. به همین سبب می‌توان بزرگانی از منطق و فلسفه و کلام را یافت که اگرچه شیرازی نبودند، در این حوزه رشد کردند. (کاکایی، ۱۳۸۷، ص ۲۰) از جمله می‌توان به مقدس اردبیلی و ملا عبدالله یزدی اشاره کرد که در زمره شاگردان علامه دوانی قرار داشتند. (موسوی خوانساری، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۸۲)

در همین برهه بود که مواد اصلی فلسفه اسلامی، بسط و تفصیل یافت و زمینه‌ساز شکوفایی اندیشه فلسفی در دوره‌های بعدی شد. (نصر، ۱۳۸۹، ص ۹۹-۱۰۰) ملاصدرا از محصولات فکری این دوره بهره بسیار برده است. (مطهری، ج ۹، ص ۲۱۸)

حواشی صدرالدین محمد دشتکی (۹۰۳ق) و علامه جلال‌الدین دوانی (۹۰۸ق) بر شرح تجرید قوشچی که از مهم‌ترین حواشی شرح تجرید محسوب می‌شوند، یکی از شواهد متقن بر رشد کلام حوزه درسی شیراز است.

هر چند در تعداد حواشی سه‌گانه علامه دوانی اختلافی وجود ندارد، در تعداد حواشی مرحوم دشتکی و نیز سیر تألیف حواشی این دو اندیشمند اختلاف نظر وجود دارد. برخی تعداد حواشی مرحوم دشتکی را دو و برخی دیگر سه حاشیه دانسته‌اند.

روشن شدن این ابهام از چند نظر حائز اهمیت است. نخست آنکه این حواشی به عنوان محصول

تلاش‌های فکری اندیشمندانی که تأثیر بسزایی در شکل‌گیری نظام فلسفه صدرایی داشته‌اند، (مطهری، ج ۹، ص ۲۱۸) حائز اهمیت بوده و رفع هر گونه ابهام در خصوص آنها مورد اعتناست.

دیگر آنکه اکثر این حواشی تصحیح نشده‌اند. بنابراین روشن شدن سیر نگارش آنها اهمیت بسزایی در ترتیب تصحیح آنها ایفا می‌کند؛ چراکه این حواشی ناظر به یکدیگر نگاشته شده‌اند و فهم دقیق هر حاشیه، مبتنی بر لحاظ حاشیه‌ای است که حاشیه مورد تصحیح، ناظر به آن نگاشته شده است. پس منطق حکم می‌کند که در سیر تصحیح این حواشی، سیر نگارش رعایت شود.

شاید خطی بودن نسخ حواشی دوانی و دشتکی و پراکندگی آنها در کتابخانه‌های مختلف کشور سبب شده است تا کنون کسی در صدد رفع این ابهام نباشد. بنابراین تحقیق پیش رو مسبوق به سابقه نیست.

در ادامه با نگاهی به شخصیت علمی سید سند و محقق دوانی، سیر تألیف و انگیزه اصلی این دو اندیشمند در تألیف این حواشی را با استناد به عبارات خود آنان بررسی خواهیم کرد.

۲. سید سند و علامه دوانی

مرحوم صدرالدین محمد دشتکی شیرازی (۸۲۸-۹۰۳ق) معروف به سید سند یکی از متفکران بنام مکتب شیراز است.

از ادله متقن بر عظمت علمی مرحوم دشتکی توجه ویژه‌ای است که صاحب حکمت متعالیه بدیشان مبذول داشته است. ملاصدرا از وی با عناوینی چون بعض اهل التدقیق، صدر المدققین، السید العظیم، السید السند، بعض الأماجد و بعض الأذکیاء یاد می‌کند. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۵۹؛ ج ۵، ص ۹۵؛ ج ۶، ص ۸۶؛ همو، ۱۳۵۴، ص ۳۸۳؛ همو، ۱۳۸۷، ص ۳۵۷)

صدرالمتألهین در موارد متعددی به دفاع از آرای وی پرداخته و عباراتی در تأیید نظرات وی به کار برده است. (ر.ک به: صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۶، ص ۸۶؛ ج ۱، ص ۵۹؛ ج ۱، ص ۳۱۵؛ ج ۵، ص ۲۸۲؛ همو، چاپ اول، ص ۱۳۳؛ همو، ۱۴۲۲، ص ۵۳)

ملاجلال‌الدین دوانی نیز از بزرگان مشهور میان اهل علم است. وی متکلم، حکیم، فاضل، محقق و ادیب بود.

شهرت و اعتبار علمی علامه دوانی به حدی بود که از کوفه، بصره، هرمزگان، کرمان، طبرستان، گرگان و حتی از روم بزرگان از افاضل برای کسب علم به محضر وی می‌شتافتند؛ (خواندمیر، ج ۴، ص ۶۰۵) به گونه‌ای که از حامی طلاب در درس او بیش از مجلس درس صدرالدین دشتکی بود. (قمی، ۱۴۲۹، ص ۲۲۷)

سبک تألیفات در این دوره از حیات این دو بزرگوار، غالباً به صورت شرح، حاشیه و حاشیه بر حاشیه بوده است. غیاث‌الدین منصور دشتکی در توضیح روش علمی پدر (سید سند) می‌نویسد:

عادت و روش نیکویش این بود که در کتاب‌هایش چیزی را جز آنچه نظر مختص خودش بود، بیان نکند. آنچه را دیگران بیان داشته بودند، در کتب خویش نمی‌آورد، مگر آنکه آن را به صاحبش نسبت دهد و سپس نظر خود را در آن باب بیان کند. به همین دلیل اکثر تألیفاتش را تعلیقه و شرح تشکیل می‌داد؛ زیرا در این شیوه، آنچه دیگران در متون و شروح خود آورده‌اند نمی‌آید. به هر حال هر چند کتب او کم‌تعدادتر و کم‌حجم‌تر از کتب دیگر علما و حکمای بزرگ بود، لیکن نکات بکر منحصر به فرد این کتاب‌ها از افادات غیر او بیش‌تر و مهم‌تر است. (کاکایی، ۱۳۸۷، ص ۳۸)

برخی گمان کرده‌اند که این سبک نگارش ناشی از رکود تفکرات فلسفی است، اما بررسی این آثار نشان از غنای آن دارد. (همان، ص ۱۰۰)

این سبک نوشتار در قرون بعدی نیز کمابیش ادامه یافت و تا به امروز نیز استمرار یافته است. تعلیقات بر اسفار توسط مرحوم سبزواری یا علامه طباطبایی و نیز تعلیقاتی که درباره کتب فقهی چون حواشی لمعه شهید اول و مکاسب شیخ انصاری نگاشته شده، نمونه‌هایی از همین سبک است.

این شیوه نگارش دارای چند ویژگی ممتاز است:

۱. در این روش از تکرار جلوگیری می‌شود؛ زیرا محثی تنها مطالب جدیدی که در نظر دارد را ذکر کرده و مطالبی را که در آن با صاحب کتاب موافق است، تکرار نمی‌کند.
۲. در مقام بررسی، آرای بزرگان درباره یک مسئله خاص، سهل‌الوصول‌تر از مراجعه به کتب متعدد است، یعنی کسی که برای مثال اسفار را می‌خواند، به راحتی به آرای علامه طباطبایی یا حاجی سبزواری نیز دسترسی دارد. حال آنکه اگر بخواهد نظر علامه یا محقق سبزواری را در فلان مسئله خاص، در کتب مستقل آنان جستجو کند، مستلزم صرف زمان زیادی خواهد بود.
۳. این روش، فهم نوآوری‌ها و دقت نظر صاحبان اندیشه در بیان آرای خویش و نقد آرای دیگران را بسیار آسان می‌کند.
۴. این روش صرفه‌جویی در مصرف کاغذ و جوهر را به همراه دارد و روشی مناسب در مواجهه با کمبود کاغذ و جوهر در مقاطع خاصی از زمان محسوب می‌شود.

البته روشن است که این روش در مقام آموزش ابتدایی یک علم چندان مفید نیست، بلکه مضر است؛ زیرا رویارویی با آرای متعدد در یک مسئله سبب سردرگمی متعلم می‌شود.

طبقات صدریه و جلالیه نمونه بارز این سبک از نگارش در مکتب فلسفی شیراز است.

۳. طبقات صدریه و جلالیه

۳-۱. تعداد و سیر تدوین حواشی

همان‌گونه که بیان شد، مناظراتی میان سید سند و علامه دوانی در جریان بود. یکی از برکات این مناظرات، تألیف چند حاشیه بر شرح تجرید قوشچی است. در اینکه مرحوم دوانی دارای سه حاشیه بر شرح تجرید قوشچی است، اختلافی وجود ندارد، ولی در تعداد حواشی مرحوم دشتکی و به تبع آن در سیر تدوین طبقات صدریه و جلالیه دو دیدگاه وجود دارد.

دیدگاه اول: علامه دوانی دارای سه حاشیه و سید سند دارای دو حاشیه است. سیر نگارش این حواشی چنین است که ابتدا علامه دوانی حاشیه‌ای بر شرح تجرید قوشچی می‌نگارد که به شرح قدیم دوانی معروف است. مرحوم صدرالدین محمد دشتکی اشکالاتی بر شرح قدیم دوانی وارد می‌کند. علامه دوانی در پاسخ به این اشکالات، شرح جدید خود را به رشته تحریر درمی‌آورد، اما مرحوم صدرالدین دشتکی دگر بار آرای ایشان را مورد مناقشه قرار می‌دهد. علامه دوانی برای بار سوم در پاسخ به ایرادات مرحوم دشتکی، حاشیه‌ای جدیداً را تألیف می‌کند و این در زمانی است که مرحوم دشتکی در قید حیات نبودند، ولی فرزند برومند ایشان مرحوم غیاث‌الدین منصور دست به قلم شده و سخنان علامه دوانی را ارزیابی می‌کند. (حاجی خلیفه، ۱۸۳۷، ج ۲، ص ۲۰۰-۲۰۱؛ صدر، ۱۳۷۸، ص ۴۶)

مرحوم قاضی نورالله شوشتری نیز سید سند را دارای دو حاشیه می‌داند. (شوشتری، ج ۲، ص ۲۳۰)

دیدگاه دوم: هر یک از علامه دوانی و سید سند دارای سه حاشیه بر شرح تجرید قوشچی هستند. (تبریزی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۹۳؛ کاکایی، ص ۴۲)

روند شکل‌گیری این حواشی به این صورت است که ابتدا سید سند شرحی بر شرح قوشچی می‌نگارد. جلال‌الدین دوانی نیز شرحی ناظر به برخی آرای صدرالدین، بر شرح قوشچی می‌نگارد و آرای دشتکی را نقد می‌کند. پس از آن، هر یک از دوانی و دشتکی دو حاشیه به ترتیب در رد یکدیگر می‌نویسند و از آنجا که آخرین شرح از آن دوانی بوده و در آن زمان، صدرالدین در قید حیات نبوده است، هفتمین شرح از سوی غیاث‌الدین منصور، فرزند صدرالدین نگاشته می‌شود، اما در این زمان دوانی در قید حیات نبود تا به اعتراضات غیاث‌الدین پاسخ گوید. سه شرح دوانی به ترتیب زمان نگارش به «قدیم»، «جدید» و «جدد» شهرت یافته است. (کاکایی، ص ۴۲)

بنابراین در این دو دیدگاه، علاوه بر اختلاف در تعداد حواشی صدرالدین محمد، در سیر تدوین طبقات صدریه و جلالیه نیز اختلاف نظر وجود دارد. کسانی که سید سند را دارای دو حاشیه می‌دانند، ناگزیرند اولین حاشیه را از آن علامه دوانی بدانند؛ زیرا در اینکه آخرین حاشیه از آن علامه دوانی است، اختلافی وجود ندارد. پس اگر سید سند تنها دارای دو حاشیه باشد، با توجه به اینکه

حواشی دشتکی و دوانی در خلال یکدیگر واقع شده‌اند، باید محقق دوانی آغازگر تألیف این حواشی باشد، در حالی که اگر سید سند را دارای سه حاشیه بدانیم، می‌بایست صدرالدین محمد را صاحب اولین حاشیه بدانیم تا آخرین حاشیه از آن دوانی باشد.

۲-۳. ارزیابی

گفتنی است که در مطالب پیش رو از اولین حاشیه مرحوم دشتکی تعبیر به «حاشیه قدیم» و از دومین حاشیه، تعبیر به «حاشیه جدید» کرده‌ایم، کما اینکه از حواشی اول، دوم و سوم دوانی به ترتیب تعبیر به حاشیه قدیم، جدید و اجده می‌شود.

توجه به نکات زیر می‌تواند حقیقت امر در تعداد حواشی مرحوم دشتکی، انگیزه و سیر تدوین آنها را روشن کند.

سید سند در حاشیه خود بر شرح تجرید می‌نویسد:

حقیر شهیر به صدر حسینی شیرازی که خداوند شرح صدر به او عطا کرده و منزلتش را افزون کند می‌گوید: سابقاً بر شرح جدید تجرید، مطالبی نوشتم که در اثناء مطالعه و مباحثه و مناظره پیش آمده بود. بعد از آن بر من آشکار شد که برخی از بزرگان، در آنچه نوشته بودم دچار اشتباه شدند ... پس این امر مرا فراخواند تا برای بار دوم حاشیه‌ای محققانه نسبت به شرح و حواشی آن بنویسم؛ به گونه‌ای که دیگر نتوان چیزی بر آن افزود. (دشتکی، مقدمه نسخه ۱۳۶۸؛ همو، مقدمه نسخه ۸۸۲؛ همو، مقدمه نسخه ۱۳۶۷؛ همو، مقدمه نسخه ۱۳۶۹؛ همو، مقدمه نسخه ۸۳۰۲)

عبارت فوق به صراحت بیان می‌کند که این نسخه، همان حاشیه جدید دشتکی است؛ چراکه پیش از این نسخه تنها یک حاشیه بر شرح تجرید نگاشته است که همان حاشیه قدیم خواهد بود. پس تا اینجا حاشیه جدید مرحوم دشتکی شناسایی شد.

۲. سید سند در حاشیه جدید، عین عباراتی را که در حاشیه دیگر خود آورده است، ذکر می‌کند که نشان می‌دهد آن حاشیه دیگر، قبل از حاشیه جدید نگارش یافته و همان حاشیه قدیم است.

از آنجا که مقصود ما از ذکر عبارات مرحوم دشتکی، اثبات مطابقت عبارات حاشیه جدید با حاشیه قدیم است و کاری به مفاد عبارات نداریم، اصل عبارات، نه ترجمه آنها ذکر می‌شود. ما در اینجا تنها به ذکر دو نمونه بسنده می‌کنیم:

۱. فیقول الحقیر الشهیر بصدر الحسینی الشیرازی. شرح الله صدره و رفع قدره. : قد کنت کتبت أولاً علی الشرح الجدید للتجرید ما سنح لی فی أثناء المطالعة و أوان المباحثة و المناظره، ثم لاح لی أنه قد وقع لبعض أجلة الناس فی اشتباه و التباس ... فحدانی ذلک إلی أن أکتب ثانیاً حاشیةً محققاً لما فی الشرح و حواشیه بما لا مزید علیه.

مرحوم دشتکی در حاشیه قدیم خود می نویسد:

قوله: «هو العلم بأحوال المبدأ والمعاد» أراد به «المبدأ» مبدأ كل ما يوجد وأوله ويقابله منتهاه وآخره. وكما أن «الأول» بهذا المعنى منحصر في الباري من حيث إنه موجد كل موجود. على ما هو مذهب المحققين من الحكماء والمتكلمين. كذلك «الآخر» بالمعنى المذكور منحصر فيه من حيث إنه غاية لإيجاده كل موجود؛ إذ هو يفعل لذاته لا لغرض. كما يتبين في موضعه. فهو الأول والآخر من حيث إنه الفاعل والغاية جميعاً. وأراد به «المعاد» معاد الإنسان وانتهاء أمره، أى كونه بعد هذه النشأة. ويقابله مبدأ الإنسان وابتداء أمره، أى كونه قبل هذه النشأة، فالمبدأ والمعاد المذكوران ليسا مقيسين إلى شيء واحد على ما هو المتبادر من سوق كلامه. (رحيمي، ۱۳۹۷، ص ۴۴)

ایشان در حاشیه جدید خود با ذکر عین عباراتی که در حاشیه قدیم بیان کرده بود می نویسد:

قوله: «هو العلم بأحوال المبدأ والمعاد» أراد به «المبدأ» مبدأ كل ما يوجد وأوله ويقابله منتهاه وآخره. وكما أن «الأول» بهذا المعنى منحصر في الباري من حيث إنه موجد كل موجود. على ما هو مذهب المحققين من الحكماء والمتكلمين. كذلك «الآخر» بالمعنى المذكور منحصر فيه من حيث إنه غاية لإيجاده كل موجود؛ إذ هو يفعل لذاته لا لغرض. كما يتبين في موضعه. فهو الأول والآخر من حيث إنه الفاعل والغاية جميعاً. وأراد به «المعاد» معاد الإنسان وانتهاء أمره، أى كونه بعد هذه النشأة. ويقابله مبدأ الإنسان وابتداء أمره، أى كونه قبل هذه النشأة، فالمبدأ والمعاد المذكوران ليسا مقيسين إلى شيء واحد على ما هو المتبادر من سوق كلامه. قيل: لا نسلم أنهما ليسا مقيسين إلى شيء واحد، لم لا يجوز أن يكون المراد مبدأ الإنسان، وكونه «مبدأ لكل ما يوجد» حال من أحوال مبدأ الإنسان الشامل للتراب والنطفة والعلاقة إلى وغيرها. فيه بحث إذ مبدأ الإنسان ... (دشتکی، نسخه ۸۸۲، ص ۴۹)

عبارت «قيل: لا نسلم أنهما ليسا مقيسين... إلى وغيرها» از آن دوانی است؛ زیرا دوانی در یکی از حواشی خود بعد از نقل عبارات عین عبارات دشتکی می گوید: «قلت عليه: لا نسلم أنهما ليسا مقيسين...» (دوانی، نسخه ۸۵۹، ص ۱۹) و ادامه عبارات از «فيه بحث إذ مبدأ الانسان» از آن دشتکی است.

همان گونه که ملاحظه می شود، ایشان عین عبارات حاشیه قدیم را در حاشیه جدید ذکر کرده و در ادامه به اشکالی که مرحوم دوانی بر او وارد کرده پرداخته و به آن جواب داده است.

مرحوم دشتکی در حاشیه قدیم می نویسد:

قوله: «لا دخل له في الاستدلال» أقول: لو كان مفهوم العدم متعدياً، لصحّ الانحصار بلا ريبه؛ لأنّ كلّ عدم حينئذ رفع وجود خاصّ وانحصار الشيء بين الوجود الخاصّ ورفعه ضروري، وأما قوله: «يجوز أن يكون متصفاً بالعدم بمعنى آخر»، فهو لا يقتضي الخلوّ عن الوجود الخاصّ ورفعه، كما لا يذهب على ذي مسكنة. (رحيمي، ۱۳۹۷، ص ۵۴)

ایشان همین عبارات را با تفاوت بسیار اندکی در حاشیه جدید نیز بیان کرده، سپس به اشکال دوانی و پاسخ به آن پرداخته است:

قوله: «لا دخل له في الاستدلال» أقول: لو كان مفهوم العدم متعدياً، يصحّ الانحصار بلا ريبه؛ لأنّ كلّ عدم حينئذ رفع وجود خاصّ وانحصار الشيء بين الوجود الخاصّ ورفعه ضروري، وأما قوله: «يجوز أن يكون زيد متصفاً بالعدم بمعنى آخر»، فهو لا يقتضي الخلوّ عن الوجود الخاصّ ورفعه، كما لا يذهب على ذي مسكنة. فإن قيل: هذا الحصر ليس هو الحصر المقصود في هذا المقام... قلنا: هذا تقدير آخر... (دشتکی، نسخه ۸۸۲، ص ۶۶)

همین روش در تمام حاشیه جدید صدرالدین محمد دشتکی وجود دارد، یعنی ابتدا عین عباراتی که خود در حاشیه قدیمش ذکر کرده بود را آورده، سپس عین عبارات مرحوم دوانی را که در مقام اشکال بر سید سند است ذکر کرده، سپس پاسخ به اشکالات مرحوم دوانی پاسخ گفته است. ما به برای رعایت اختصار، در سطور پیشین تنها به ذکر دو مورد از این شیوه بسنده کردیم.

۳. بی شک اولین حاشیه دشتکی (= حاشیه قدیم) پس از اولین حاشیه دوانی نگارش یافته است؛ زیرا در حاشیه قدیم دشتکی برخی مطالب از دوانی نقل شده است که به چند نمونه اشاره می شود:

۱. ذیل این کلام قوشچی که می گوید: «وإذا تقرّر أنّ تعريف المشتقّ بالمشتقّ يكون على وجهين»، (قوشچی، ۱۳۹۳، ص ۸۳) مرحوم دشتکی این سخن را از بعضی الأفاضل نقل می کند:

لا يخفى عليك أنّ هذا الشقّ ليس تعريفاً للمشتقّ بالحقيقة، بل هو تعريف لما صدق عليه المشتقّ، كما صرح به. (رحيمي، ۱۳۹۷، ص ۵۰-۵۱)

این عبارات، عین عبارات دوانی است:

لا يخفى عليك أنّ هذا الشقّ ليس تعريفاً للمشتقّ بالحقيقة، بل هو تعريف لما صدق عليه المشتقّ، كما صرح به. (دوانی، نسخه ۲۰۵۱۸، ص ۶-۷؛ قوشچی، ۱۳۹۳، ص ۸۲،

پاورقی ۴)

۲. مرحوم دشتکی ذیل این کلام قوشچی که می‌گوید: «و أنت خبیر بأنّ الجواب غیر حاسم لمادّة الشبهة» (قوشچی، ۱۳۹۳، ص ۹۷) می‌نویسد:

قیل علیه: الفرض اشتراکه بین جمیع الموجودات، و ما ذکر من شمول المقسم لأقسامه کاف فی إثباته، فلا یضّرّ عدم شموله لأفراد الممكن؛ إذ لیس مطلوبنا، کیف و هو لا یصدق علیها أصلاً؟ (رحیمی، ۱۳۹۷، ص ۵۴)

این عبارات نیز از آن مرحوم دوانی است. (قوشچی، ۹۷، پاورقی ۶)

مرحوم دشتکی ذیل این کلام قوشچی: «هذا إنّما یتّمّ إذا كانت الأجزاء خارجيّة» (قوشچی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۱) می‌نویسد:

و ذهب بعض المعاصرين إلى أنّ قول الشارح: «هذا إنّما یتّم» إشارة إلى بطلان التالي بکلا الوجهین. (رحیمی، ۱۳۹۷، ص ۵۶)

مراد دشتکی از «بعض المعاصرين»، محقق دوانی است؛ زیرا ایشان در حاشیه قدیم خود ذیل همین کلام قوشچی می‌گوید:

الظاهر أنّ هذا إشارة علی بطلان التالي بقسمیه. (دوانی، نسخه ۲۰۵۱۸، ص ۱۱)

مرحوم دشتکی ذیل این کلام قوشچی: «هذا الجواب غیر حاسم لمادّة الشبهة» (قوشچی، ۱۳۹۳، ص ۹۷) می‌نویسد:

قیل علیه: «الفرض اشتراکه بین جمیع الموجودات، و ما ذکر من شمول المقسم لأقسامه کاف فی إثباته، فلا یضّرّ عدم شموله لأفراد الممكن؛ إذ لیس مطلوبنا، کیف و هو لا یصدق علیها أصلاً؟» (رحیمی، ۱۳۹۷، ص ۵۴)

این عبارات عین عبارات مرحوم دوانی در حاشیه قدیم اوست. (دوانی، نسخه ۲۰۵۱۸، ص ۱۰)

از این موارد می‌توان نتیجه گرفت که مرحوم دشتکی بیش از دو حاشیه نداشته است؛ زیرا در اینکه آخرین حاشیه از آن دوانی بوده است، هیچ شکی نیست. پس اگر اولین حاشیه نیز از آن دوانی باشد، سید نمی‌تواند بیش از دو حاشیه داشته باشد؛ زیرا اگر سید حاشیه سومی نیز داشت، بعد از حاشیه اجده دوانی واقع می‌شد و در این صورت آخرین حاشیه از آن دوانی نبود و دیگر نیازی نبود که فرزند سید، غیاث‌الدین منصور در جواب دوانی حاشیه‌نگاری کند.

۴. برخی از محققین، سید سند را صاحب حاشیه‌ای با عنوان شرح کبیر علی شرح الجدید للتجربید

می‌دانند که قبل از شرح دوانی نگاشته شده است. (کاکایی، ۱۳۸۷، ص ۳۹)

با توجه به مطالب فوق می‌توان گفت که اگر سید سند حاشیه‌ای با این نام داشته است، بی‌شک همان حاشیه جدید ایشان است که نه تنها قبل از حاشیه دوانی نوشته نشده، بلکه پس از حاشیه جدید دوانی، یعنی پس از دومین حاشیه دوانی نگارش یافته است.

مؤید اینکه حاشیه کبیر همان حاشیه جدید دشتکی است، آن است که حاشیه جدید نزدیک به ۵۸۰ صفحه و تقریباً سه برابر حاشیه قدیم دشتکی است. بنابراین عنوان حاشیه کبیر با حجم حاشیه جدید متناسب است.

۵. بر اساس مطالب یاد شده سیر نگارش طبقات صدریه و جلالیه از این قرار است:

۱. حاشیه قدیم دوانی
۲. حاشیه قدیم دشتکی
۳. حاشیه جدید دوانی
۴. حاشیه جدید دشتکی
۵. حاشیه اجده دوانی
۶. حاشیه غیاث‌الدین منصور دشتکی که پس از رحلت پدر خویش در پاسخ به دوانی به رشته تحریر درآورده است.

۶. با توجه به شیوه نگارش و مقدمه این حواشی می‌توان انگیزه نگارش این حواشی را نیز به دست آورد.

مرحوم دوانی حاشیه قدیم خود را این‌گونه آغاز کرده است: «بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين. قوله في الحاشية: قيل: لم يرد به معينا...». (دوانی، نسخه ۱۷۵۲، ص ۵؛ همو، نسخه ۲۰۵۱۸، ص ۳) ایشان بدون هیچ مقدمه‌ای وارد حاشیه‌نگاری بر شرح تجرید قوشچی شده است و سخنی از پاسخ‌گویی به اشکالات دیگران نیست و این نشان می‌دهد غرض محقق دوانی تحریر حاشیه‌ای بر شرح تجرید قوشچی است، بدون آنکه مقابله با مرحوم دشتکی مدنظر او باشد. همچنین طبق مطالب پیشین روشن شد که حاشیه قدیم دوانی اولین حاشیه از سلسله حواشی وی و مرحوم دشتکی است. بنابراین هنگام نگارش حاشیه قدیم دوانی، حاشیه‌ای از سوی دشتکی نگارش نیافته است تا سخنان دوانی ناظر به کلمات دشتکی باشد.

اما در مقدمه حاشیه اجده می‌نویسد:

ما در گذشته حاشیه‌هایی بر شرح جدید تجرید نگاشتیم. وقتی این حواشی به دست دیگران رسید و بر زبان‌ها جاری گشت، رگ تعصب و حسد در برخی از افراد شهر به تپش افتاد. لذا شروع به ایراد شبهات و مناقشات مشتمل بر لجاجت و سرسختی نمودند. در پی

آن، ما متوجه دفع و رفع این شبهات شده و مکتوباتی نوشته و نام آن را تجریدات الغواشی و تشبیذات الحواشی گذاشتیم که این نوشته‌ها نیز میان طلاب شایع گشت و از هر دو طرف موافق و مخالف محل بحث و گفتگو واقع شد. بعد از مدتی، بیماری بر من عارض گشته و مرا از اشتغال به کارها مانع گشت، چه رسد به جدال و قیل و قال. پس آن شبهاتی که سابقاً مطرح شده بود، دوباره سر برآوردند. [صاحب آن اشکالات] دوباره همان سخنان را با این گمان که دیگر کسی جلودار او نخواهد بود تکرار کرد... پس وقتی که از بستر بیماری برخاسته و قدری از نشاط سابق را باز یافتم، عده‌ای از دوستان از من درخواست کردند که به روشن شدن حق و یاری درستی و رفع حجاب از چشمان ناظران پردازم... ابتدا در این امر تعلل ورزیدم... ولی هنگامی که درخواست‌ها فراوان شد، شروع بدین کار کردم...^۲ (دوانی، نسخه ۱۰۳، ص ۷؛ نسخه ۶۲۲۰، ص ۶؛ نسخه ۷۱۱، ص ۶)

علامه دوانی در این عبارات، انگیزه خود از نگارش سه حاشیه را بیان کرده است. حاشیه اول مانند بسیاری از شروح و تعلیقاتی که بر شرح تجرید قوشچی نگاشته شده‌اند، برای بیان نظرات و ارزیابی آرای قوشچی به نگارش درآمد. پس همان‌گونه که گذشت، حاشیه قدیم بدون مقدمه خاصی وارد بحث اصلی شد.

بعد از نگارش اولین حاشیه توسط دوانی، مرحوم دشتکی نیز حاشیه‌ای بر شرح تجرید به رشته تحریر درمی‌آورد، اما هدف ایشان در این حاشیه، رویارویی و نقد دیدگاه‌های دوانی نبوده است؛ چراکه مرحوم دشتکی در موارد بسیار معدودی متعرض کلام دوانی شده است و خود، مستقلاً و بدون توجه به نظرات دوانی به حاشیه‌نگاری پرداخته است.

گویا پس از نگارش حاشیه قدیم توسط دوانی، سید احساس کرده است که این حاشیه مطالب چندان متقنی ندارد و جای خالی یک حاشیه قوی بر شرح تجرید قوشچی وجود دارد. پس حاشیه قدیم را نوشته است. وی در ابتدای حاشیه قدیم خود می‌گوید:

اما بعد، فقیر حقیر شهیر به صدر حسینی شیرازی. خداوند سینه‌اش را گشاده و نامش را بلند گرداند. می‌گوید: بر تو ای هوشیار محقق و یگانه مدقق، حاشیه‌ای بر شرح جدید تجرید املا می‌کنم که در آن، تحقیقی نسبت به شرح تجرید صورت گرفته است که

۲. فإنا قد كتبنا في سالف الزمان حواشی علی الشرح الجدید للتجرید فلما تداولتها الأیدی و تقاولتها الألسن نبض فی بعض أهل البلد عرق العصبیة و الحسد فتصدی لإیراد الشبهات و المناقشات المشتملة علی المشاکسات فتوجهنا إلی دفعها و رفعها و علّقنا فیها رسائل سمیناها بـ «تجریدات الغواشی و تشبیذات الحواشی» و هی شایعة بین الطلاب و دائرة بین یدی الأوصحاب و تداول الکلام فیها من الجانبین مراراً و وقعت المصادمة فیها أطواراً ثم بعد مدة عرض لی مرض عاقنی عن الاشتغال بشئی من الأشغال فضلاً عن الجدال القیل و القال فأستأنف تلك الکلمات و أعاد تلك الشبهات و رجع إلی أول کلامه تکراراً، مشاکسة و إصراراً، ظنّاً منه أنه لا ینازعه بعد ذلك أحد... فلما انتهضت من الفراش و انتعشت بعض الانتعاش سأل أصحابی أن أتعرض لإبانة الحق و إعانة الصدق و رفع الغواشی عن ابصار بصائر الناظرین... ففعلت أولاً... لکن لما تکرز الإلحاح فشرعت فیه...

نمی‌توان چیزی بر آن افزود. این حاشیه، با اشاره بر اشکالات وارده بر شرح تجرید تنبیه داده و از معضلاتی که فضلاء در آن درمانده و علماء در آن متحیر گشته‌اند، پرده برداشته است. برخی از این مطالب را از کتب قوم اخذ کرده و ...^۳ (دشتکی، نسخه ۱۰۱، ص ۳؛ نسخه ۹۴، ص ۲؛ نسخه ۱۷۷۵، ص ۵)

احتمالاً سید این حاشیه را بر فرزندش غیاث‌الدین منصور املا کرده است.

این عبارات به روشنی گواه بر این است که قصد سید تحلیل آرای قوشچی است، نه اشکال به دوانی. هر چند حواشی دوانی را دیده و او را در تحقیق و ارزیابی آرای قوشچی متحیر یافته است. به همین دلیل خود بدون ورود به ارزیابی آرای دوانی به طور مستقل به تحقیق و ارزیابی شرح تجرید پرداخته است. احتمالاً مراد وی از علمایی که از حل برخی معضلات درمانده‌اند، محقق دوانی است.

قرینه دیگری که عرض دشتکی در حاشیه قدیمش را روشن می‌کند آن است که مقایسه حاشیه قدیم دشتکی با حاشیه قدیم دوانی نشان می‌دهد موضعی از کلام قوشچی که دشتکی و دوانی ذیل آن حاشیه زده‌اند، بسیار متفاوت است؛ یعنی در بسیاری از مواضع، دوانی دارای حاشیه است، ولی دشتکی در آنجا حاشیه‌ای ندارد و بالعکس، ولی این روند در حواشی بعدی تغییر می‌کند و مقابله نسخ به روشنی نشان می‌دهد که حواشی بعدی در مقام رویارویی و پاسخ‌گویی به آرا و اشکالات طرف مقابل نگاشته شده‌اند.

نکته عجیب اینکه مرحوم دوانی مدعی است که انگیزه اصلی مرحوم دشتکی در نگارش حاشیه قدیم، حسادت به وی و مقبولیت حاشیه دوانی در میان اهل علم بوده است. ایشان در مقدمه حاشیه اجذّ که پیش از این نیز نقل کردیم نوشته است:

ما در گذشته حاشیه‌هایی بر شرح جدید تجرید نگاشتیم. وقتی این حواشی به دست دیگران رسید و بر زبان‌ها جاری گشت، رگ تعصب و حسد در برخی از افراد شهر به تپش افتاد. لذا شروع به ایراد شبهات و مناقشاتی مشتمل بر لجاجت و سرسختی نمودند. در پی آن، ما متوجه دفع و رفع این شبهات شدیم.^۴ (دوانی، نسخه ۱۰۳، ص ۷؛ نسخه ۶۲۰، ص ۶؛ نسخه ۷۱۱، ص ۶)

دوانی مدعی است که پس از توجه اندیشمندان و طلاب به حاشیه وی، به گونه‌ای که حاشیه او

۳. أما بعد، يقول الفقير الحقير الشهير بصدر الحسيني الشيرازي. شرح الله صدره و رفع ذكره. : قد املت لك أيها الذكي المحقق والأوحد المدقق على الشرح الجديد للتجريد حاشيةً محققةً لما فيه بما لا مزيد عليه منبهةً على ما عليه بالإشارة إليه كاشفةً عن معضلات أعيان الفضلاء مبينةً لعويصات تحير فيه العلماء، فمنها ما أخذته من كتب القوم ...

۴. فإننا قد كتبنا في سالف الزمان حواشي على الشرح الجديد للتجريد فلما تداولتها الأيدي و تقاوتها الألسن نبض في بعض أهل البلد عرق العصبية و الحسد فتصدى لإيراد الشبهات و المناقشات المشتملة على المشاكسات فتوجهنا إلى دفعها و رفعها.

دست به دست می چرخید، مرحوم دشتکی به دلیل رقابت دیرینه اش با دوانی دچار حسادت شد و برای مقابله با حاشیه دوانی، تصمیم گرفت تا حاشیه ای بر شرح تجرید بنویسد!

اشکال: ممکن است گفته شود کلام دوانی ناقض مطلب شماسست؛ چراکه وی می گوید که حاشیه دوانی مشتمل بر مناقشات و ایراد شبهات بر مطالب حاشیه دوانی است، در حالی که شما مدعی شدید که حاشیه قدیم دشتکی ناظر به کلمات دوانی نیست.

جواب: همان گونه که بیان شد، بررسی کامل حاشیه قدیم دشتکی نشان می دهد که سخنان ایشان ناظر به کلمات دوانی نیست و جز در موارد اندک، متعرض آرای دوانی نمی شود. بنابراین به نظر می رسد دوانی قدری نسبت به حاشیه قدیم دشتکی مبالغه کرده و نوع عبارت پردازی ایشان در حمله به سید سند نیز نشان می دهد که با دلخوری این عبارات را نوشته است. در نتیجه به صورت مبالغه آمیز حاشیه سید را مشتمل بر اشکالات و مناقشات معرفی می کند.

ممکن است گفته شود که چه بسا مرحوم دشتکی علاوه بر این دو حاشیه، حاشیه دیگری بر شرح تجرید قوشچی داشته است، اما با توجه به آنچه پیش از این بیان کردیم، اگر مرحوم دشتکی حاشیه دیگری داشته باشد، لازم است آخرین حاشیه از سوی دشتکی نگارش یافته باشد، حال آنکه در این مطلب اختلافی نیست که آخرین حاشیه از ناحیه دوانی نگارش یافته است.

بنابراین انگیزه آنان در نگارش اولین حاشیه رویارویی با یکدیگر نبوده است، بلکه در حواشی بعدی متعرض آرای یکدیگر شده اند و همان گونه که بیان کردیم، مقابله عبارات این حواشی با یکدیگر کاملاً مؤید این مطلب است که حاشیه قدیم دشتکی و دوانی ناظر به یکدیگر نیست، ولی حواشی بعدی ناظر به آرای یکدیگرند.

۷. همان گونه که ملاحظه شد، با مراجعه به نسخ خطی و مقابله عبارات، می توان قاطعانه راجع به تعداد، سیر تدوین و حتی انگیزه تألیف این حواشی اظهار نظر کرد، ولی گویا خطی بودن این نسخ و احتمالاً در دسترس نبودن نسخ خطی سبب ایجاد ابهام در این ناحیه شده است.

۴. نتیجه

سبک تألیف در مکتب شیراز غالباً به شکل حاشیه نویسی بوده است و همین سبک نگارش، در کنار رقابت علمی دو تن از اندیشمندان بنام مکتب شیراز سبب شد تا چند حاشیه حول شرح تجرید قوشچی شکل گیرد که به طبقات صدریه و جلالیه شهرت یافت. با مقابله متون این حواشی به دست آمد که اولین حاشیه از ناحیه محقق دوانی و دومین حاشیه از سوی صدرالدین محمد دشتکی تألیف شده است که انگیزه این دو در نگارش اولین حاشیه، مقابله و نقد آرای یکدیگر نبوده است.

البته باید به این نکته توجه داشت که مراد ما از عدم نظارت حاشیه قدیم دشتکی بر حاشیه قدیم دوانی این است که غرض اصلی دشتکی، نقض و ابرام آرای دوانی نبوده است، ولی نظارت به معنای دیگر را نفی نکردیم و آن به این معنا که دشتکی، دوانی را در فهم درست مطالب قوشچی و نیز ارزیابی آنها ناتوان دیده و احساس کرده است حق مطلب درباره شرح تجرید قوشچی ادا نشده است. در نتیجه خود حاشیه ای می نویسد تا موارد ابهامی را که در شرح تجرید قوشچی هست، روشن کند و نیز مواضعی را که دچار خلل است، نقد کند تا به عنوان یک کتاب مرجع در فهم و نقد آرای قوشچی مورد استفاده طلاب و اندیشمندان قرار گیرد. بنابراین نظارت به یک معنا را نفی و به معنای دیگر را اثبات کردیم.

دومین حاشیه دوانی که به حاشیه جدید مشهور است، پس از اولین حاشیه دشتکی و بعد از آن، دومین حاشیه دشتکی و در نهایت، سومین حاشیه دوانی که همان حاشیه اجّد است، به رشته تحریر درآمد که این حواشی در مقام رویارویی و ارزیابی آرای طرف مقابل نگارش یافته اند. بنابراین طبقات صدریه و جلالیه متشکل از پنج حاشیه است. سه حاشیه از دوانی و دو حاشیه از دشتکی.

با روشن شدن سیر تدوین این حواشی، توصیه می شود که سیر تصحیح این حواشی نیز بر اساس سید تدوین صورت گیرد؛ چرا که رعایت این سیر می تواند ما را در فهم بهتر کلمات این دو محقق بزرگ یاری رساند، به خصوص نسبت به حاشیه جدید و اجّد دوانی و حاشیه جدید دشتکی که کاملاً ناظر به ارزیابی کلمات طرف مقابل نگاشته شده اند و فهم درست آنان بدون اطلاع از حاشیه سابق امکان پذیر نخواهد بود.

کتابنامه

۱. تبریزی، علی بن موسی؛ مرآة الکتب؛ تحقیق: محمدعلی حائری و علی صدرايي خویی؛ قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۱۴ق.
۲. حاجی خلیفه، مصطفی؛ کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون؛ لندن، بنتایی، ۱۸۳۷م.
۳. خواندمیر، حبیب الله؛ تاریخ حبیب السیر؛ تهران، انتشارات کتابخانه خیام، ۱۳۳۳.
۴. دشتکی، صدرالدین محمدی؛ حاشیه ثانی بر شرح جدید تجرید؛ نسخه ۸۸۲، تهران، کتابخانه ملک، قرن ۱۰.
۵. _____؛ حاشیه القدیمة علی شرح التجرید الجدید؛ شماره نسخه ۹۴ خویی. تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، قرن ۹.
۶. _____؛ حاشیه القدیمة علی شرح التجرید الجدید؛ شماره نسخه ۱۷۵۵، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، حدود قرن ۱۰.
۷. _____؛ حاشیه القدیمة علی شرح التجرید الجدید؛ شماره نسخه ۱۳۶۸، تهران، کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار)، حدود قرن ۱۰.
۸. _____؛ حاشیه القدیمة علی شرح التجرید الجدید؛ شماره نسخه ۱۳۶۷، تهران، کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار)، حدود قرن ۱۰.

۹. _____؛ حاشیه قدیمه علی شرح التجرید جدید؛ شماره نسخه: ۱۳۶۹، تهران، مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار)، ۱۰۴۰.
۱۰. _____؛ حاشیه قدیمه علی شرح التجرید جدید؛ شماره نسخه: ۸۳۰۲، تهران، مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار)، بی تا.
۱۱. _____؛ حاشیه قدیمه علی شرح التجرید جدید؛ شماره نسخه: ۱۰۱، مشهد، کتابخانه آستان قدس رضوی، بی تا.
۱۲. دوانی، جلال الدین؛ حاشیه آجد شرح تجرید؛ شماره نسخه: ۱۰۳، تهران، کتابخانه دانشگاه تهران، بی تا.
۱۳. _____؛ حاشیه آجد شرح تجرید؛ شماره نسخه: ۶۲۲۰، تهران، کتابخانه دانشگاه تهران، بی تا.
۱۴. _____؛ حاشیه آجد شرح تجرید؛ شماره نسخه: ۷۱۱، تهران، کتابخانه ملک، بی تا.
۱۵. _____؛ حاشیه آجد شرح تجرید؛ شماره نسخه: ۸۵۹، تهران، کتابخانه ملی، بی تا.
۱۶. _____؛ حاشیه قدیم شرح تجرید؛ شماره نسخه: ۲۰۵۱۸، مشهد، کتابخانه آستان قدس رضوی، ۱۰۵۲.
۱۷. _____؛ حاشیه قدیم شرح تجرید؛ شماره نسخه: ۱۷۵۲، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، بی تا.
۱۸. رحیمی، علی؛ تصحیح انتقادی حاشیه قدیم صدرالدین محمد دشتکی بر شرح تجرید قوشچی؛ رساله دکترای رشته فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه شیراز، ۱۳۹۷ ش.
۱۹. شوشتری، نورالله؛ مجالس المؤمنین؛ تهران، کتاب فروشی اسلامی، ۱۳۵۴ ش.
۲۰. صدر، احمد و دیگران؛ دایرة المعارف تشیع؛ تهران، نشر شهید سعید محبتی، ۱۳۷۸ ش.
۲۱. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم؛ الحاشیه علی إلهیات الشفاء؛ چاپ اول، قم، انتشارات بیدار.
۲۲. _____؛ الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة؛ بیروت، دار إحياء التراث، ۱۹۸۱ م.
۲۳. _____؛ شرح الهدایة الأثریة؛ بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۲ ق.
۲۴. _____؛ سه رساله فلسفی؛ قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۷.
۲۵. _____؛ المبدأ و المعاد؛ تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۵۴.
۲۶. قمی، عباس؛ الکنی و الألقاب؛ قم، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۹ ق.
۲۷. قوشچی، علی بن محمد؛ شرح تجرید العقائد؛ تصحیح و تحقیق: محمدحسین زارعی رضایی؛ قم، انتشارات راند، ۱۳۹۳ ش.
۲۸. کاکایی، قاسم، غیاث الدین منصور دشتکی و فلسفه عرفان؛ منازل السائرین و مقامات العارفين؛ تهران، انتشارات فرهنگستان هنر، ۱۳۸۷ ش.
۲۹. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار استاد شهید مطهری؛ قم: انتشارات صدرا، بی تا.
۳۰. موسوی خوانساری، محمدباقر؛ روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات؛ قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۹۰ ش.
۳۱. نصر، حسین و الیور لیمن؛ تاریخ فلسفه اسلامی؛ ترجمه: جمعی از مترجمان؛ ج ۳، تهران، مؤسسه انتشارات حکمت.
۳۲. ولایتی، علی اکبر؛ آفرینندگان فرهنگ و تمدن اسلام و بوم ایران؛ ۸۳ (صدرالدین دشتکی شیرازی)، تهران: نشر امیرکبیر، ۱۳۹۳.